



جام زهر یا تدبیر عقلانی؟

گفت و گو با محمد علی صمدی
پژوهشگر و نویسنده دفاع مقدس

ورق بنزید

اول از همه، رفتیم سراغ مهم‌ترین سوآلمان که پرسیدیم: «بعضی‌ها می‌گویند جنگ‌ها برنده و بازنده ندارند. یکی از آن جملات مشهوری که در شبکه‌های مجازی هم دست‌به‌دست می‌شود، این است که «در جنگ همه بازنده‌اند»؛ اما در همهٔ این سال‌ها ما خودمان را طرف برندهٔ جنگ هشت‌ساله با رژیم بعث دانسته‌ایم. مکرر شنیده‌ایم که ایران پیروز میدان این جنگ نابرابر بود. اگر پیروز شدیم، پس چرا

این پیروزی برای امام تلخ بود؟»

محمدعلی صمدی، اول ما را برد به زمان قبول
قطعنامه و شرایط آن دوران و بعد گفت: «ما در جنگ،
اهداف سطح بالایی مدنظرمان بود، اما به آن
سطح حداکثری نرسیدیم. ما می‌خواستیم متجاوز
تنبیه شود. می‌خواستیم مجامع بین‌المللی تجاوز
رژیم بعث و ظلم صدام را به رسمیت بشناسند تا
تبعات حقوقی این جنگ تحمیلی را پیگیری کنند.

جنگ در اسناد بین‌المللی جنبه‌ای حقوقی دارد و مسئولیت‌هایی را متوجه جامعه جهانی می‌کند. تا سال ۱۳۶۷، جنگ ایران و عراق حتی به رسمیت هم شناخته نمی‌شد! ما می‌خواستیم چه عراق، چه بقیه کشورهای دنیا که به عراق کمک می‌کردند، ضمانت بدهند این تجاوز هرگز تکرار نخواهد شد. می‌خواستیم همه حقوق ملت ایران را از جامعه جهانی و رژیم بعث بگیریم. حتی خواست حداکثری ما این بود که رژیم متجاوز بعث از حکومت ساقط شود؛ اما دنیا حق ما را کامل ادا نکرد.

فشار جامعه جهانی روی ایران زیاد بود. از آن طرف، حمایتش از رژیم بعث هم زیاد بود. این شد که به خواست حداکثری مان نرسیدیم. بعد، برایمان توضیح داد علی‌رغم این شرایط، چرا ایران پیروز جنگ بود: «برای ما خیلی مهم بود که عراق به‌عنوان طرف متجاوز جنگ شناخته شود و این اتفاق افتاد. برایمان مهم بود اگر ایران به حداکثر حشش نمی‌رسد، دست‌کم اهداف میانه‌اش محقق شود و این هم شد. وجبی هم از خاک کشور کم نشد. ما تمام جزئیات درخواستمان را از متجاوز دریافت نکردیم، اما به حق اصلی مان در جامعه بین‌المللی رسیدیم.

این خیلی مهم بود که دنیا بپذیرد این جنگ، تحمیلی است و عراق متجاوز است.» این توضیحات، شرایط سال پایانی جنگ را برایمان روشن کرد. بعد، رفتیم سراغ بیانات حضرت آقا و از او پرسیدیم: «رهبر انقلاب، پذیرش قطعنامه را «تدبیر عاقلانه امام» عنوان کرده‌اند. انگار فهم این عبارت با تعبیر «نوشیدن جام زهر» امام، کمی سخت می‌شود.»

خواستیم برایمان این دو تعبیر را کنار هم توضیح بدهد. او با مثال ساده‌ای ماجرا را برایمان روشن کرد: «هیچ کس در هیچ گوشهٔ دنیا، در هیچ کجای تاریخ ننوشته تدبیر همیشه شیرین است و با آرامش همراه. بیماری‌ها را به ذهنتان بیاورید! داروها خیلی‌هایشان تلخ و حتی دردناک است؛ مثل شیمی‌درمانی.

خیلی از درمان‌ها در طول تاریخ هم همین‌طور بوده.
حالا به تعبیر امام برگردیم. امام می‌گوید
خواست حداکثری شما و ملت شما محقق نشده و این
دردناک است. به شما تحمیل شده از اهداف
حداکثری‌تان کوتاه بیایید و این تحمیل، آزاردهنده
است.

شما می‌خواستید جوری به متجاوز سیلی بزنید که
برق از سرش بپرد و دیگر هوس تجاوز به سرش نزند،
اما دنیا اجازه‌اش را نداد. معلوم است که ناراحت
می‌شوید! اما این‌ها هیچ تفاوت و ضدیتی با «تدبیر»
ندارد! تصمیم امام با توجه به شرایط کلی کشور و
مسئولین، تصمیم درست و واقعاً مدبرانه‌ای بود؛ اما
قرار نیست تدبیر همیشه شیرین باشد.»

گفت‌وگوی کوتاه‌مان که به پایان رسید، انگار صدای
امام را از همان ۲۹ تیرماه ۱۳۶۷ در ذهنمان می‌شنیدیم؛
اما این بار عمیق‌تر و دقیق‌تر! کلماتش تلخ، ولی
تدبیرش شیرین بود! محمدعلی صمدی تلخ‌وشیرین را
کنار هم نشانمان داد.

